

نگاهی به جنگ های بزرگ تاریخ

کوروش بابل را فتح می کند

دولت های بزرگ دنیای قدیم که از ۴ هزار سال قبل شکل گرفته بودند بیشترین تمرکز را در بین النهرین یا عراق کنونی داشتند. این دولت ها اکثراً قدرتمند، ثروتمند و بعضاً جنگجو مانند قوم آشور بودند.

اقوام بین النهرین در زمانی که در اوج اقتدار بودند اقوام شرقی مستقر در ایران کنونی، اقوام خاور نزدیک و مصری ها را نیز تحت فرمان داشتند اما منابع تاریخی نشان می دهد که قدرت گرفتن ماد ها در شرق قدرت آنها را تحت الشعاع قرار داد. از طرف دیگر اقوام قدرتمندی در جنوب اروپا در حال قدرت گرفتن بودند، مضافاً آنکه تضاد شدید منافع این اقوام با یکدیگر آنها را مجبور به انجام جنگ های بسیار طولانی کرده بود که در آخرین آن هوخشتر آشور را از روی زمین محو کرد. البته خیانت بابلیان در سقوط نینوا بی تاثیر نبود.

اما برای مردم بین النهرین این آخر ماجرا نبود، هخامنشیان در مرکز ایران قدرت گرفته بودند و اکنون برای تبدیل شدن به یک امپراتوری بزرگ تنها فتح بابل را در بین النهرین «کم» داشتند.

کوروش کبیر طی سال های ۵۴۶ ق. م تا ۵۳۸ ق. م به درجه ای از قدرت رسیده بود که مطمئن شود از نبرد بین النهرین دست خالی باز نمی گردد. کوروش در نبرد با کرزوس بسیار سریع عمل کرد و بنابراین دولت های بابل و مصر فرصت تجهیز خود را نیافتند. در ۵۳۹ ق. م کوروش با ارتشی مجهز و بزرگ از دجله عبور کرد. بابل به دلیل داشتن برج و بارو های بسیار بزرگ و مرتفع معروف بود و گمان بسیاری بر این بود که کوروش از حمله خود طرفی نبندد. نبوئید پادشاه بابل که مردی هنردوست بود برای مقابله با سپاه کوروش پسر خود بلتسر را به مقابله با کوروش فرستاد اما بلتسر شکست خورد و به سمت بابل عقب نشست.

فتح بابل در ابتدا غیرممکن می نمود چرا که مردم بابل در داخل قلاع مرتفع خود قادر به کشت و زرع و مقاومت در برابر مهاجمان بودند و از طرف دیگر نیز وسایل قلعه کوب کوروش برای کوبیدن بارو های شهر ناتوان بود. بنابراین کوروش از عنصر غافلگیری استفاده کرد و دستور داد تا آب فرات را برگردانند. کم شدن جریان آب سبب شد تا سربازان وی بتوانند از مجرای ورودی رودخانه به شهر خود را به داخل بابل برسانند. اینجا بود که حکایت تکراری تاریخ یعنی «غافلگیری مدافعان قلعه» رخ داد.

سرپرسی سایکس نویسنده کتاب «تاریخ ایران» دلیل سقوط بابل را خستگی مردم بابل از اختلافات و تنازعات می داند و توجه بیش از اندازه نبوئید فرمانروای بابل به آثار تاریخی و معابد را دلیل نابسامانی بابل ذکر می کند.

وی می گوید: «هرگاه در مقابل کوروش ملت متحدی بود که برای تقویت و نگاهداری پادشاه خود حاضر به نبرد بودند گمان نمی رود که ایرانیان می توانستند بدون محاصره طولانی بابل را با آن سه خط حصار و قلعه و آن همه اسباب و استعداد مسخر نمایند. لیکن اتفاق چنین افتاد که همه اوضاع برای کوروش مساعدت داشت.»

کوروش کبیر پس از فتح بابل دستور عجیبی صادر کرد که برای مردم آن زمان تازگی داشت. او دستور داد که شهر از هرگونه تخریب و تعرض در امان بماند و معابد و گنجینه های شهر حفظ شود.

• پایان یک دوران

بابل قبل از سقوط به اوج قدرت رسیده بود. تمام بین النهرین، سوریه، فینیقیه، صحرای سینا، شمال عربستان و فلسطین و اردن امروزی در قلمرو این دولت مقتدر بود. امپراتوری بابل از غرب با دریای مدیترانه و بحر احمر در تلاقی بود.

اما سقوط بابل پایان یک دوران بود. دوران حکومت پادشاهان و دولت شهرهای پر قدرت بین النهرین. بابل سخت جان ترین این قدرت ها بود اما سرانجام با قدرت گرفتن امپراتوری ماد که بعد ها تبدیل به پادشاهی هخامنشی شد تمدن های بین النهرین قدرت سیاسی نظامی خود را از دست دادند.

ارزش نظامی فتح بابل به دست کوروش از نقطه نظر ژئوپولتیکی بود. این شکست سبب شد که تا ۹۰۰ سال ایران نگرانی از بابت قدرت های بین النهرینی نداشته باشد حال آنکه کوروش می دانست، بابل تا زمانی که مستقل بماند، می تواند تهدید کننده فلات ایران باشد بنابراین تا حمله اعراب در ۶۵۰ میلادی ایران فرصت داشت که امپراتوری خود را توسعه دهد.